



حوزه علمیه احمدیه جام

نگین علم و معرفت در شرق

بررسی تاریخچه و شرایط کنونی حوزه علمیه احمدیه تربت جام

عبداللطیف عرب تیموری - از اهل سنت



چکیده:

در این مقاله سعی شده است ضمن معرفی تربیت جام و جایگاه جغرافیایی و تاریخی آن با شخصیت اثرگذار منطقه، شیخ احمد جامی به طور مختصر آشنایی حاصل شده و سپس به ذکر تاریخچه پیدایش حوزه علمیه احمديه در تربیت جام توسط شیخ احمد جامی پرداخته و سیر حوادث تاریخی حوزه را از قرن ششم تاکنون مورد بررسی قرار داده و در پایان سعی می‌شود با بیان اطلاعاتی وضعیت حوزه و اساتید آن در دوران اخیر و شرایط فعلی بیان شده و اهمیت و جایگاه این حوزه به عنوان رکن و عامل وحدت در منطقه جام و شرق کشور ذکر گردد.

واژگان کلیدی: شیخ احمد، حوزه احمديه، علماء، اساتید، طلاب، جامی، فضلا، معنویت.

مقدمه

اصولاً حوزه‌های علمیه به عنوان یک رکن مهم در تعلیم و تربیت اسلامی و انتقال علوم اسلامی از هر نسل به نسلی دیگر و زنده نگه داشتن علم و معنویت اسلامی همواره جایگاهی خاص داشته و دارند و در این میان حوزه‌های علمیه‌ای که قدمت تاریخی بیشتری دارند در زمینه این انتقال دین و معنویت از قرون اولیه اسلامی به زمان ما نقش مهم‌تری دارند و حوزه علمیه احمديه جام با تاریخ نهصدساله‌اش بدون شک یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین حوزه‌ها در جهان اسلام و ایران اسلامی محسوب می‌گردد که از دوره سلجوقیان تاکنون به حیات خویش ادامه داده و منشأ بسیاری از امور علمی و معنوی بوده است در حالی که از بسیاری از مدارس علمی دیگری که در آن زمان یا بعدها تأسیس شده‌اند اکنون اثری باقی نمانده است و بسیاری از نظامیه‌ها و غیاثیه‌ها و... در دل تاریخ محو شده‌اند. بدین لحاظ بررسی تاریخچه این حوزه قدیمی و شناخت افراد مؤثر در آن و طی روند تاریخی آن از گذشته تاکنون و از همه مهم‌تر شرایط و وضعیت کنونی آن و حوادثی که در طول زمان بر این حوزه گذشته است خالی از لطف نیست و می‌تواند برای هر طلبه و یا پژوهنده تاریخ علم و حوزه‌های علمیه جالب و مفید باشد و در این راستا به کمک منابع تاریخی موجود و یاری گرفتن از معمرین و مطلعین محلی و تحقیقات میدانی سعی بر آن بوده است که تاریخچه‌ای هرچند مختصر و اندک از این حوزه قدیمی ارائه گردد. امید است مورد قبول و توجه قرار گیرد.

پیشینه تربیت جام

بستر جغرافیایی حوزه علمیه احمديه جام، شهر تربیت جام و مناطق اطرافش بوده و عامل و پدیدآورنده اولیه این مدرسه شیخ احمد جامی می‌باشد لذا شناخت سابقه این حوزه جز با شناخت اولیه تربیت جام و مختصری از زندگینامه شیخ احمد جام مقدور نمی‌باشد.



شهر قدیمی و تاریخی تربت‌جام یکی از شهرهای خراسان رضوی در شمال شرق کشور و در فاصله ۱۶۰ کیلومتری مشهد مقدس قرار دارد و از شمال به سرخس، از شرق به افغانستان، از جنوب به تایباد و از غرب به تربت‌حیدریه و فریمان متصل است. دارای آب و هوای نیمه بیابانی و نواحی کوهستانی سرسبز و گردشگاهی بوده و دارای ۵ بخش و محصول عمده آن کشاورزی و از این لحاظ قطب کشاورزی استان است و محصولات عمده آن خربزه و هندوانه و زیره سبز و غلات است و دارای دامداری سنتی و هنرها و صنایع دستی و موسیقی و ادبیات عرفانی معروفی است که در جهان شهره است. زبان مردم منطقه فارسی روان و نزدیک به فارسی دری بوده و در این شهرستان با اکثریت تسنن هر دو مذهب برادروار در کنار هم زندگی کرده و ارتباط و خویشی و همکاری دارند و نمونه‌ای عالی از وحدت اسلامی را به وجود آورده‌اند.

مرکز قدیم منطقه شهر تاریخی بوزجان بوده که زادگاه و خاستگاه بسیاری از علما و دانشمندان است و پس از رحلت شیخ جام و دفن در روستای معدآباد به تدریج مرکزیت به این روستا منتقل شد و نام تربت شیخ جام به خود گرفت. وجه تسمیه جام از شکل جغرافیایی جام مانند آن به نسبت کوه‌های غربی و شرقی گرفته شده که همچون جامی بلورین و سرسبز می‌باشد. دانشمندان عمده این دیار همچون شیخ ابوذر بوزجانی اولین سراینده اشعار عرفانی فارسی و ابوالوفاء بوزجانی ریاضیدان دوره غزنوی و منجم بزرگ جهان اسلام که یونسکو قله‌ای در ماه را به نام وی نامیده است و شیخ احمد جامی و عبدالرحمان جامی و نیز قاسم انوار و ابوبکر عتیق سورآبادی صاحب سومین تفسیر قرآن در زبان فارسی و مولانا هاتفی خرجردی و خواجه عزیزالله جامی و درویش علی بوزجانی و پوربهای جامی و... از این دیار برخاسته‌اند و این شهرستان دارای اماکن تاریخی و دیدنی فراوانی است از جمله مجموعه عظیم معماری و آرامگاهی شیخ جام مرکب از ۱۰ بنای تاریخی از دوره‌های مختلف و نیز رباط تاریخی جام و مقبره خواجه عزیزالله و آرامگاه قاسم انوار و مسجد نور و آرامگاه خواجه غیاث‌الدین و ارگ بوزجان و حمام تاریخی عزت و رباط سمندگان و... همگی بیانگر تاریخ پر بار و فرهنگی این منطقه هستند. (عرب تیموری، ص ۴)

زندگینامه مختصر شیخ احمد جامی (ده)

بدون شک عامل پیدایش تربت‌جام حضور و زندگی و سپس دفن و مرقد شیخ بوده است که عامل گسترش و پیدایش این شهر و تبدیل روستای معدآباد به شهر تربت‌جام گردیده است. بدین لحاظ به‌طور مختصر زندگینامه ایشان ذکر می‌گردد.

شیخ‌الاسلام از عرفای اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری است که اصالتاً از

اولاد لیث بن جریر جبلی از اصحاب رسول اکرم (ص) بوده که نسبشان به حضرت ابراهیم (ع) می‌رسد. ایشان در ۴۴۰ هـ ق در نامق کاشمر به دنیا آمده و در جوانی چندان ظاهرالصلاح نبودند اما در ۲۲ سالگی توبه‌ای نصوحانه نموده و به زهد و عرفان می‌گرایند و بعد از چند سال خودسازی به جام مهاجرت نموده و حدود ۱۲ سال به عبادت و ریاضت خویش ادامه می‌دهند. عبادات ایشان گاه در غاری در دامنه کوه بزرگ جام و زمانی در مسجدی تک اتاقه و دست‌ساز خودشان در دامنه کوه بود که اکنون به نام مسجد نور معروف و باقی است. ایشان سپس به بین مردم جام آمده و ابتدا در بوزجان و سپس در روستای کوچک معدآباد سکونت می‌گزینند و باغی را به صورت وقفی از زنی نیکوکار و مؤمنه به نام خدیجه خاتون گرفته و در آن باغ خانقاه و مدرسه ساخته و به تربیت مریدان و شاگردان مشغول می‌گردند. ایشان ضمن تدریس و ارشاد مردم به نوشتن آثار عرفانی همت گماشتند. از چهارده اثر ایشان اکنون ۷ اثر باقی مانده است که به صورت کامل تصحیح و چاپ گردیده و در دسترس همگان است از جمله می‌توان به کتاب‌های «روضه‌المذنبین»، «سراج‌السائرین»، «کنوزالحکمه»، «بحارالحقیقه»، «مفتاح‌النجات»، «انس‌التائبین» و «دیوان اشعار» اشاره کرد. این آثار مملو از آیات قرآنی و احادیث و تفاسیر ارزنده است که از گنجینه‌های عرفانی ایران به شمار می‌رود. شیخ، خانواده‌ای بزرگ داشته که عمدتاً فرزندان و اولاد ایشان اهل علم و فضیلت بودند و امامت جمعه و قضاوت شرعی را در منطقه به عهده داشته و دارند. سرانجام ایشان در سال ۵۳۶ در معدآباد وفات کرده و مقابل خانقاهش مدفون گردیدند. (عرب تیموری، ص ۸)

حوزه علمیه جام در گذر تاریخ

بدون شک تاریخ تأسیس حوزه علمیه احمدیه جام را می‌توان همزمان با حضور شیخ احمد جام در معدآباد (تربت جام کنونی) و در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم دانست زیرا ایشان پس از طی مراحل سیر و سلوک عارفانه و خودساختگی کامل در کوه‌های بیزگ و عبادت چندین ساله در مسجد نور ابتدا و در مرحله سلوک سیر من الحق الی الخلق به بوزجان مرکز قدیم منطقه جام رفت ولی در آنجا به علت درگیری با بعضی فرقه‌ها و افکار مخالف نتوانسته اقامت کنند لذا برای انتخاب محل اقامت دائمی و تربیت شاگردان به روستای معدآباد آمده و پس از دریافت باغی وقفی از بانوی مؤمنه به نام خدیجه خاتون نخستین خانقاه و به‌واقع آموزشگاه و حوزه‌اش را در این باغ دایر نمودند و به تربیت شاگردان و مریدان پرداختند و با توجه به این که عرفان شیخ جام، عرفانی شریعتی - طریقتی بود و در این عرفان شریعت بر طریقت تقدم و اولویت داشت. آموزه‌ها و شاگردانش از همان ابتدا در قرن ششم هجری حالت حوزوی و طلبگی به خود گرفت و همواره آموزش‌های قرآنی و



حدیثی و فقهی در این حوزه بر هر آموزش دیگری اعم از عرفانی و غیره تقدم داشت و در این مدرسه به عرفان از نگاه شریعت نگریسته می‌شد و این حوزه از همان بدو تأسیس با خانقاه‌های معمول آن زمان و جنبه‌های منفی تصوف در تعارض بود و به همین دلیل شیخ و حوزه‌اش گاه با مشکلاتی مواجه شدند. (فاضل، ص ۱۰)

البته این توجه به علم‌آموزی به‌علت دیدگاه خاص شیخ جام به علم و دانش بود که در جای‌جای کتاب‌هایش اهمیت علم را با آیات قرآنی و احادیث معتبر بیان می‌کند و هم‌نشینی با علما و علم‌آموختن از آنان تشویق می‌کند و در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) بهترین کار جهان را علم‌آموزی می‌داند و از جمله می‌گوید «چون بامداد پگاه برخیزی عالم باش یا متعلم باش یا مستمع باش سخن علماء را یا دوستدار ایشان باش، زینهار که از آن پنجمین مباحی که از هلاک شدگان باشی یعنی منکر ایشان مباح». (فاضل، ص ۷۱)

طبیعی است که انسانی با چنین روشن‌بینی علمی و عرفانی در اولین اقدامش پس از اقامت در معدآباد و تهیه محل مناسب، دست به تأسیس مدرسه و حوزه علمیه بزند و به تربیت شاگردان و طلاب دینی پردازد و به‌تدریج با حمایت مردم و مریدان و نیز سلطان سنجر سلجوقی که به‌علت مشاهده زهد شیخ جام به ایشان ارادتی تمام داشت حوزه وسعت می‌گیرد و تا حمله مغول در قرن هفتم، دوره درخشانی از آموزش طلاب را می‌گذراند به‌خصوص که پس از درگذشت شیخ در سال ۵۳۶ هـ.ق و دفن ایشان در محوطه خانقاه و مدرسه و اقامت فرزندان شیخ و علاقه‌مندان در اطراف مرقد به‌تدریج بر اهمیت معدآباد افزوده شد و کم‌کم نام تربت شیخ جام به خود گرفت. در حمله مغول در موج اول این حمله با درایت بانویی مؤمنه از نوادگان شیخ جام به نام هبه‌الرحمان که مردم را به اقامت در جام و دفاع و حمایت از مرقد و حوزه برمی‌انگیزد و مانع فرار مردم و تخلیه شهر می‌گردد تربت جام و حوزه از تخریب مصون می‌ماند. (زنگنه، ص ۱۰۹) اما در حملات بعدی، جام و حوزه ضربات سختی می‌بینند ولی به فاصله کمی در دوره ایلخانان مغول دوباره حوزه احمدیه اهمیتش را باز می‌یابد و مسجد کرمانی در دوره «اولجاتیو» و نیز مدرسه و سراچه «فریومدی» توسط وزیر ابوسعید بهادر، آخرین ایلخان مغول در این زمان در کنار حوزه ساخته می‌شود. (مقدم، ص ۶۶) در همین دوره و در فاصله ایلخانان تا قدرت‌گیری تیمور حوزه علمیه جام به دلیل حمایت و توجه پادشاهان آل کرت در هرات و نزدیکی جام به هرات موقعیت خود را حفظ می‌نماید و البته در تمام این دوران همواره امور تولیت و اداره مدرسه به عهده فرزندان شیخ جام که خود عمدتاً اهل فضل و دانش بوده و امامت جمعه و قضاوت شرعی را به عهده داشتند بوده است. به‌خصوص در اداره مدرسه و تدریس در آن نقش خواجه شمس‌الدین مطهر و خواجه شهاب‌الدین اسماعیل و خواجه رضی‌الدین احمد متولی بارز می‌باشد که در

قرون هفتم و هشتم اداره حوزه احمدیه را بر عهده داشته‌اند ولی نقطه درخشان حوزه، دوره تیموریان و حکومت شاهرخ و فرزندانش می‌باشد که این حوزه از موقعیتی عالی و اساتیدی برجسته و طلاب فراوان برخوردار بوده است و اساتیدش با حوزه هرات مشترک بوده‌اند و جواز فارغ‌التحصیلی معتبر در جهان اسلام صادر می‌نموده‌اند. یک نمونه درخشان آن در تاریخ حوزه‌های علمیه خراسان و ایران متن جواز فارغ‌التحصیلی مولانا یوسف اهل جامی از فارغ‌التحصیلان حوزه جام است که توسط استاد بزرگ جام و هرات مولانا جلال‌الدین قاینی صادر شده است و به قول آقای زنگنه محقق تاریخ خراسان «این یک سند قطعی است از عظمت حوزه علمیه تربت‌جام که یکی از مراکز مهم علمی و ادبی خراسان بوده و نشانه‌ای است که این سرزمین در آن روزگار معمور و آبادان و مشحون از علما، عرفا، مشایخ، شعرا، نویسندگان، مدارس، کتابخانه‌ها، لنگرها و حلقات درس بوده است و نمونه‌ای عالی است از سبک اجازت علمی آن عهد که از دستبرد حوادث و سوانح دوران مصون مانده و به دست ما رسیده است». (زنگنه، ص ۱۷۴) تاریخ این اجازه‌نامه که متن کامل آن به زبان عربی در کتاب ارزشمند فرائد غیائی به‌طور کامل آمده است ذی‌الحجه سال ۸۲۲ هجری قمری در تربت‌جام می‌باشد. (غیائی، ص ۳۲۹)

از جمله موارد دیگر اهمیت این حوزه در تاریخ علمی خراسان حضور مولانا تفتازانی فقیه و ادیب بزرگ جهان اسلام در قرن هشتم برای مدتی در این حوزه و تدریس توسط ایشان بوده است که تدریس این استاد بزرگ و مؤلف «تهذیب المنطق» و «مختصر المعانی» و بسیار آثار دیگر در حوزه جام دلیل اهمیت علمی این حوزه بوده است. (جامی، ص ۲۱)

هم‌چنین از شاگردان دیگر این حوزه در دوران جوانی و سپس ارتباط و تفاخر به آن در دوران بزرگ‌سالی مولانا عبدالرحمان جامی می‌باشد که مقامی بزرگ در علم و ادب و عرفان ایران دارد و دوران نوجوانی خود را در جام گذرانده و سپس به هرات و سمرقند رفته است و طلبه‌ای نیست که شرح جامی «فوائد الضیائیه» را نخوانده باشد و یا از «اشعه المعات» و «بهارستان» و «هفت اورنگ» جامی چیزی ننشیده باشد و یا خیل دیگری از علما در قرون مختلف همچون قاسم انوار، مولانا هاتفی خرجردی، درویش علی بوزجانی و... که ریزه‌خوار دانش حوزه جام بوده‌اند و سپس در دوران پس از تیموریان به‌علت درگیری همیشگی با ازبکان در خراسان و دست‌به‌دست شدن جام و هرات بین صفویه و ازبکان و نیز اختلافات مذهبی در زمان صفویه حوزه جام اندکی به فترت می‌گراید و شکوه پیشین خود را از دست می‌دهد ولی کمابیش حیات خود را با تأثیرگذاری محلی و تربیت مبلغ و پیش‌نماز برای جام و اطرافش حفظ می‌کند و این فترت تا دوره افشار و زند و قاجار ادامه می‌یابد و حوزه جام محدود به تربت و اطرافش گشته و با درایت فرزندان شیخ و علاقه مردم



محلّی به صورت محدود در داخل مزار شیخ جام و حتی گاهی از شدت ناامنی در اتاق‌های داخل گلدسته‌های مزار به حیات خویش ادامه می‌دهد. اگرچه در دوره صفوی و افشار اندک توجهی به مزار شد و برخی بناها مرمت و ایجاد گردیدند ولی اهمیت حوزه به اندازه‌های دوران قبل بازنگشت تا این که در دوره ناصرالدین شاه با بسته شدن قرارداد پاریس بین ایران و انگلیس رسماً افغانستان مستقل شد و هرات از ایران جدا گردید و رابطه علمی جام و هرات منقطع گشت و منطقه در بن‌بست مرزی و جغرافیایی قرار گرفت و پس از آن حوزه جام و مزار و فرزندان شیخ آخرین پاسداران علوم حوزوی و معنویت در شرق خراسان می‌گردند و حوزه احمدیه تا اواخر قاجار به حیات خویش ادامه می‌دهد تا این که تحول بزرگی در حوزه رخ داده و در اوایل حکومت پهلوی امور حوزه به دست قاضی محمد نعیم جامی الاحمدی می‌افتد که ایشان روح حیات مجددی به حوزه می‌دمند و با تلاش فراوان ساختمان مخروبه حوزه را بازسازی کرده و با جذب اساتید و طلاب، حوزه را به شکل نوینی احیاء می‌کنند و در این دوره با حکومت رضاخان نیز درگیری‌هایی پیدا می‌کند و مثلاً در ماجرای کشف حجاب با رهبری حوزه و علماء و قاضی محمدنعیم درگیری‌هایی با رژیم ایجاد می‌شود و گروهی از مردم جام به افغانستان مهاجرت می‌کنند که به مهاجرین دوره بی‌حجابی معروفند و یا در ماجرای برداشتن عمامه و منع لباس روحانیت با مقاومت قاضی و اساتید و طلبه‌های حوزه رژیم رضاخانی پس از چند روز و از ترس شورش در این منطقه حساس، اجازه داشتن عمامه و لباس روحانی را به قاضی و طلبه‌ها می‌دهند و در این دوره تا اوایل انقلاب اساتید گران قدری در حوزه وجود دارند که منشأ اثرگذاری‌های بعدی می‌شوند و نقش مهمی در ارشاد مردم داشته‌اند از جمله جناب خواجه محمد جامی الاحمدی حافظ قرآن و مدیر بعدی حوزه و نیز مولانا شمس‌الدین مدرس احمدی، خواجه سیف‌الدین جامی الاحمدی و مولوی نجیب‌الله عبداللهی و مولوی سلطانی و مولوی عبدالباقی رسولی و خواجه فخرالدین نخل احمدی و حاج قاضی جلال‌الدین فقهی سلجوقی از عرفای شاعر و دوست دوران جوانی مقام معظم رهبری و خواجه محمد شهاب احمدی و برخی اساتید دیگری که هم‌اکنون در هرات ساکن هستند و یا رحلت نموده‌اند.

نقش حوزه احمدیه تربت جام در حوادث بزرگ خراسان

حوزه احمدیه تقریباً در تمام جریان‌های اجتماعی و مردمی جام در دوران اخیر نقش داشته و دارد از جمله در جریان اشغال ایران در جنگ جهانی دوم که منجر به تعطیلی چند روزه حوزه و بازداشت حاج قاضی توسط روس‌ها می‌گردد و ایشان که امانت‌دار اسناد تیپ تربت جام بوده‌اند آن اسناد را به روس‌ها نداده و بعداً به تهران می‌فرستند و نیز ماجرای

شورش صولت السلطنه هزاره در زمستان ۱۳۲۰ و نقش آرام‌کنندگی و آرامش‌بخشی حوزه و نیز مسائلی همچون فعالیت‌های حزب توده و کمونیست‌ها در جام و ماجرای مصدق و اصلاحات ارضی و... که در همه موارد حوزه و علماء و طلاب احمدیه به رهبری قاضی محمدنعیم و فرزندشان قاضی محمد نقش مؤثری در آگاه‌سازی مردم و موضع‌گیری‌های مناسب داشته‌اند و شاید نقل ماجرای زیر خالی از لطف نباشد.

در دهه ۵۰ و اوج قدرت رژیم روزی عبدالعظیم ولیان استاندار وقت خراسان و نائب‌التولیه آستان قدس که از مقام‌های مهم کشور محسوب می‌شد به جام می‌آید و ضمن بازدید از مزار با دیدن طلبه‌های حوزه با لباس طلبگی و عمامه و کلاه با حالت تحقیر گونه به قاضی محمدنعیم می‌گوید که شماها باید این لباس و روش تحصیل را عوض کنید و مدرن و جدید بشوید و ایشان با فروتنی و آرامش خاص خود می‌گوید آقای استاندار ما از همین حوزه‌ها افرادی مثل عطار و خیام و... بیرون داده‌ایم شما از مدارس و دانشگاه‌های جدید خود چه کسانی را بیرون داده‌اید؟ (به نقل از حاج یعقوب ندایی از معمرین منطقه)

حوزه احمدیه در دهه‌های اخیر

در سال‌های آخر حیات قاضی محمدنعیم و با توجه به کبر سن ایشان در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ امور حوزه به فرزند ایشان خواجه حاج قاضی محمد واگذار شد و ایشان که خود حافظ قرآن و عالمی بزرگ بودند در جهت معنویت حوزه و جذب اساتید و آموزش طلاب زحمات بسیاری را متحمل شدند ولی در تمام این سال‌ها عملاً اداره امور اجرایی حوزه و مدیریت داخلی به عهده جناب خواجه شرف‌الدین جامی‌الاحمدی فرزند قاضی محمد و تولیت فعلی مزار بود و ایشان که همزمان دبیر آموزش و پرورش نیز بودند مدیریت حوزه را نیز بر عهده داشتند و به تدریج از برخی اساتید دانشگاهی و دبیران در امور هیئت‌امنا حوزه و مزار استفاده نمودند و اکنون حوزه و مزار را به‌صورت ترکیبی از اساتید حوزوی و دانشگاهی درآوردند و در تمام جریان‌های اجتماعی و علمی استان و کشور همکاری و فعالیت دارند و هم‌اکنون که پس از رحلت پدر، ریاست عالی حوزه را رسماً به عهده گرفتند حوزه احمدیه دوران درخشانی را از علم و تقوا و آرامش و میانه‌روی را می‌گذراند و انجام امور مدیریت داخلی آن به عهده آقای دکتر حسین جامی‌الاحمدی فرزند ایشان است که دکترای ادبیات عرب و مدرس دانشگاه می‌باشند و همزمان به تدریس در حوزه و مدیریت اجرایی آن نیز اشتغال دارد. حوزه در حال حاضر در ساختمانی جدید و زیبا و مستحکم که بر روی بنای قبلی مدرسه فیروزشاهی (از دوران شاهرخ تیموری) و به همان سبک ساخته شده و نمایی عالی و اسلامی دارد دایر است و تعداد ۹۵ طلبه شبانه‌روزی و روزانه دارد و دارای واحد



خواهران به تعداد ۱۴ نفر و کتابخانه مجهز و بسیار غنی که مورد استفاده پژوهشگران نیز هست برخوردار بوده و امکانات خوابگاهی و آشپزخانه و محل مطالعه و استراحت و باغی مصفا و محیطی زیارتی و دل‌پذیر و بسیار معنوی و آرامش‌بخش نیز دارد که بدون شک هر صاحب‌دلی با ورود به محوطه این حوزه و زیارتگاه شیخ جام و اماکن تاریخی و هنری مجاورش احساس آرامش و معنویت بیشتری نموده و رابطه‌اش با عالم ملکوت و روحانی بهتر برقرار می‌گردد.

میان‌روی و معنویت شاخصه ویژه حوزه احمدیه

آنچه این حوزه را ممتاز می‌نماید بدون‌شک آرامش و میان‌روی و اعتدالی است که در طول تاریخ به‌ویژه دوران معاصر بر این حوزه حاکم بوده و هست و اساتید و طلاب این حوزه همواره با اتکا به قرآن و حدیث و آموزه‌های اسلامی خویش وارد هیچ جریان افراطی و تفریطی نشده و در اوج قدرت طالبان در افغانستان و یا حضور مهاجران افغانی در منطقه و تبلیغات وهابیت و جریان‌های اخیر داعش و... همیشه این حوزه استقلال فکری و معنوی خود را حفظ نموده و تمامی جریان‌های افراطی و تکفیری و یا عرفان‌های کاذب را پس زده و با متانت و بردباری و تحمل همه مشکلات به حیات و اثرگذاری خود ادامه داده است و بسیاری از ائمه جماعات شهر تربت‌جام و بخش‌های اطراف در روستاها از فارغ‌التحصیلان این حوزه هستند که همین رویه را تبلیغ می‌کنند و باعث شده‌اند تربت‌جام و اطرافش به شهر وحدت و آرامش و برادری و نمونه در ایران تبدیل گردد و جلوی هر حرکت تندروانه اعم از تشیع و تسنن در این منطقه گرفته شود و این به برکت معنویت حاکم بر حوزه پدید آمده است. در حال حاضر این حوزه با تعداد ۱۸ نفر اساتید دروس عربی و فقهی و حدیثی و تعداد ۵ نفر اساتید دانشگاهی و دبیران همکار در حوزه است که فضای خاص و دلپذیر از ترکیب علوم قدیم و جدید و معنویت و مسائل روز را پدید آورده است. در حوزه در کنار دروس قدیمه ناظر تدریس کامپیوتر، زبان انگلیسی، تاریخ، مقاله‌نویسی و... نیز هستیم و طلاب این حوزه در زمینه مقاله و سخنرانی و حتی ورزش در خراسان سرآمد هستند و تاکنون مقام‌های مهمی در قرائت و حفظ قرآن و مسابقات سخنرانی کسب کرده‌اند. هم‌چنین حوزه دارای امور مکاتب است که بر کلاس‌های قرآنی در سطح شهر و مساجد نظارت دارد و دارای بخش دارالافتاء بوده که پاسخگوی اشکالات شرعی مردم و استفتائات رسمی دادگستری نیز می‌باشد. اساتید و طلاب این حوزه در کمال سادگی و با امکاناتی محدود به خدمت خویش به اسلام و مسلمین و حفظ وحدت و برادری مشغول‌اند و در راستای حمایت از نظام جمهوری اسلامی و رهنمودهای مقام معظم رهبری بوده و با

حوزه‌های دیگر اهل سنت در جام و تایباد و خواف نیز روابطی گرم و علمی و برادرانه دارند و امید است خداوند توفیق دهد تا این حوزه همچون ۹۰۰ سال گذشته بتواند منشأ خدمت به اسلام باشد.

منابع

- ۱- جامی، شیخ احمد، مفتاح النجات، به تصحیح دکتر علی فاضل، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم ۱۳۸۷
- ۲- جامی الاحمدی، حسین، تحلیل و تبیین اعلال و ادغام در کتاب سعدیه تفتازانی، دانشگاه آزاد ۱۳۸۵
- ۳- زنگنه، ابراهیم، سرزمین جام و رجال آن، انتشارات شیخ جام، چاپ اول ۱۳۸۴
- ۴- شورای شهر تربت جام، مجله شورای اسلامی شهر، ویژه‌نامه همایش هم‌اندیشی علمای تشیع و تسنن، بهمن ۱۳۹۰
- ۵- صابر مقدم، فرامرز، مجموعه معماری مزار شیخ جام، شورای شهر تربت جام، ۱۳۸۱
- ۶- عرب تیموری، عبداللطیف، راهنمای گردشگری مجموعه آرامگاهی شیخ جام، تولیت مزار، ۱۳۹۳
- ۷- فاضل، دکتر علی، کارنامه احمد جام، انتشارات توس، چاپ اول، بهار ۱۳۸۳، تهران
- ۸- یوسف اهل جلال‌الدین، فرائد غیائی، به کوشش حشمت مؤید، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶
- ۹- مطالعات میدانی نگارنده و مصاحبه با مطلعین و معمرین منطقه و منابع مختلف تاریخی

